خبر روز

تابیدن نور امید به چشمان ۲ بیمار

شهرآرا| چشم را برخی حیاتی ترین عضو بدن می دانند، عضوی که نبودش برابر است با دنیایی تاریک. روزانه تعدادی از بیماران نیازمند به قرنیه در بیمارستان چشم پزشکی خاتم الانبیا(ص) مشهد بستری می شوند و چشم به راه یک بخشش هستند تا دنیایشان تیره و تار نشود. در برابر این افراد، روزانه تعدادی بیمار که بر اثر حادثه یا بیماری دچار مرگ مغزی شده اند در بیمارستان های سراسر استان بستری می شوند، بیمارانی که هیچ امیدی به زنده ماندنشان نیست و خانواده های آن ها پیش از رسیدن مرگ قطعی، فرصت دارند که با اهدای اعضای پیکر عزیزانشان موافقت کنند. دیروز در پی اعلام رضایت خانواده زنده یاد «ایمان لسانی» جوان سی و سه ساله ای که در بیمارستان هاشمی نژاد بستری و دچار مرگ مغزی شده بود، پیکر او به بیمارستان منتصریه منتقل شد. با انجام جراحی اهدای عضو، قرنیه های او برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد ارسال شد تا به بیماران نیازمند، فرصت دوباره دیدن عطا شود.

روی خط حادثه

کلاهبرداری ۳۰ میلیون تومانی با یک پیامک!

ابوعطا| مرد میان سال تا چشمش به پیامکی افتاد که در آن نوشته شده بود: «علیه شما شکایت شده...» مابقی اش را نخواند و ذهنش به سراغ ماجرایی رفت که چندی پیش بین او و فردی دیگر رخ داده بود. او مطمئن شد که آن فرد مقابل بالاخره زهرش را ریخته و از او شکایت کرده است. برای اینکه مطمئن شود، بلافاصله روی لینک انتهای پیام زد و وارد سایت قوه قضائیه شد، اما زمانی که می خواست صفحه مربوط به شکایت را باز کند، پیامی روی صفحه ظاهر شد که از او خواسته بود مبلغ کمی برای دیدن ابلاغیه های الکترونیکش پرداخت کند. او با ورود به صفحه پرداخت، تمام اطلاعات حسابش را وارد کرد، اما موقع پرداخت مشکلی پیش آمد و از صفحه خارج شد. او در حال تلاش دوباره برای ورود به همان صفحه بود که پیامک برداشت ۳۰ میلیون تومان از حسابش را دریافت کرد و تازه آنجا متوجه شد که این پیامک کلاهبرداری بوده است. این فرد پس از شکایت با دریافت مرجوعه قضایی به پلیس فتای مشهد رفت و از فردی ناشناس شکایت کرد. با دستور سرهنگ ابوالفضل طالب الحق، فرمانده پلیس فتا مشهد، کارشناسان این پلیس تخصصی تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کردند. با اقدامات فنی و تخصصی کارشناسان پلیس فتا، در همان دقایق ابتدایی کل مبلغ کلاهبرداری شده به حساب فرد مال باخته عودت و متهم به کلاهبرداری، شناسایی و دستگیر شد. پیگیری این پرونده در حالی ادامه دارد که اگر مال باخته می دانست پیامک ارسالی از سوی قوه قضائیه بدون لینک است و مشاهده ابلاغیه الکترونیک رایگان است، قطعا به این دردسر نمی افتاد.

مرگ یک موتورسوار در سانحه‌ای دیگر

دیبا| همین حالا که این خبر را می خوانید، یک موتورسوار دیگر نیز از قید هستی گریخت. او تا همین روزهای گذشته زندگی خوبی داشت و در کنار خانواده اش بود، اما این موتورسوار شبیه صدها موتورسواری که مرگ را شبیه تاجی بر سر می‌گذارند اما حاضر نیستند کلاه ایمنی به سر بگذارند، جانش را در یک سانحه رانندگی باخت. روز گذشته در پی اعلام مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر یک مورد حادثه رانندگی در محور مشهد- میامی، بلافاصله مأموران انتظامی به همراه نیروهای امدادی به محل اعزام شدند. با حضور مأموران در محل و در بررسی های اولیه مشخص شد یک دستگاه نیسان وانت و یک دستگاه موتورسیکلت به راکبی مردی جوان به دلایل نامعلومی در دو کیلومتری شهر رضویه با هم برخورد کرده اند. در این حادثه، متأسفانه راکب سی و سه ساله موتورسیکلت به علت شدت جراحات وارده فوت کرد. علت تامه تصادف توسط کارشناسان پلیس راه در دست بررسی است.

جهان حوادث

مرگ ۳ پلیس در پی انفجار در ایتالیا

ایسنا| وقوع انفجار در مزرعه ای در شمال ایتالیا منجر به کشته شدن سه افسر پلیس واحد نظامی «کارابینیری» و زخمی شدن دوازده نفر دیگر شد. این انفجار در جریان یک عملیات پلیس در نزدیکی شهر «ورونا» و شب هنگام رخ داد و باعث تخریب خانه ای شد که در این مزرعه قرار داشت. رسانه های ایتالیایی اعلام کردند که مأموران در تلاش برای اجرای حکم تخلیه بودند و نشانه های اولیه، حاکی از انفجار کپسول های گاز در ساختمان است. جزئیات بیشتری از حادثه منتشر نشده است.

ریزش معدن طلا با ۴ کشته

مهرا| چهارده نفر پس از ریزش یک معدن طلای عمودی در ایالت بولیوار، جنوب شرقی ونزوئلا، کشته شدند. این حادثه پس از سیل ناشی از باران شدید که ساختار معدن را تضعیف کرده بود، رخ داد. آتش نشانان و مأموران حفاظت در تلاش برای بیرون کشیدن اجساد از منطقه سیل زده هستند.

متهمی که چند سال قبل به اتهام قتل تا پای چوبه دار رفته بود، صحنه قتل تازه اش را بازسازی کرد

قاتل: من جانی نیستم!

سعید جلائیان

گزارش

یکشنبه ۱۳مهرماه، پس از سه روز بی خبری از سرنوشت مردی جوان، خانواده اش جسد او را طناب پیچ و در حالی که میله ای آهنی در دهانش بود، روی پشت بام خانه اش پیدا کردند. با اعلام این موضوع به پلیس، مأموران کلانتری کوی پلیس به محل اعزام شدند و پس از مشاهده جسد، شبانه موضوع را به بازپرس ویژه قتل اعلام کردند. با حضور قاضی صادق صفری، بازپرس ویژه قتل عمد مشهد، در محل بلافاصله تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد آغاز شد. تحقیقاتی که همان شب سبب ظن پلیس به « نقی» برادر همسر مقتول شد. متهم طبق اظهارات همسر مقتول، آخرین فردی بوده است که پنجشنبه شب به پشت بام رفته و پس از مدتی با خودرو کوییک مقتول از خانه خارج شده است. با توجه به سرنخ های موجود در پرونده، بازپرس جنایی دستورات تخصصی برای دستگیری متهم را صادر کرد. هم زمان با آغاز تلاش پلیس برای دستگیری متهم، تحقیقات بیشتر از سوابق او انجام شد. تحقیقاتی که نشان داد متهم سی و دو ساله و متولد شهرستان رودسر مازندران است. فردی که بیش از یک چهارم عمرش را به خاطر قتل فجیع یک مرد و ریختن اسید روی جسدش در زندان بوده است. او حتی تا پای چوبه دار نیز رفته بود، اما پس از هفت سال با پرداخت دیه آزاد شد. اتهام دومش آدم ربایی همسر سابقش بود و سومین اتهام او نیز قتل بود که پس از یک سال از آن تبرئه و آزاد شده بود.

با مستندات کشف شده از سوی پلیس، ظن اینکه مقتول توسط برادر همسرش به قتل رسیده باشد، بیشتر شد. در بررسی این پرونده مشخص شد خواهر نقی در مدتی که او زندانی بوده است با جوانی مشهدی به نام عادل ازدواج می کند و با او به مشهد می آید.

هشت سال پس از ازدواج این زن که دو فرزند از ازدواج قبلی اش داشته است، نقی نیز به دنبال خواهرش به مشهد می آید تا با پشت سر گذاشتن تمام سوابقش، در شهری جدید زندگی جدیدی برای خودش بسازد. او در این مدت با کمک داماد و برادران دامادشان مشغول به کار می شود و با آن ها زندگی می کند.

شش سال اول زندگی متهم در مشهد به خوبی و خوشی بوده است تا اینکه به واسطه مشکلاتی که برایش پیش می آید، یک سال قبل با خوردن قرص اقدام به خودکشی می کند. تلاش او برای خودکشی از سوی عادل و برادرهایش ناکام می ماند و نقی از مرگ نجات پیدا می کند. بعد از این، متهم متوجه تغییر رفتار عادل با خواهرش می شود. موضوعی که سبب دخالت او در زندگی این زوج می شود.

دستگیری قاتل در خودرو مقتول

با تکمیل مستندات، تلاش گسترده ای برای ردزنی متهم انجام می شود و مأموران سرانجام نقی را در حالی که با خودرو مقتول برای خرید مواد مخدر به محدوده منطقه جنایت بازگشته بود ردزنی و با هماهنگی مقام قضایی در یک عملیات ضربتی دستگیر کردند.

متهم پس از دستگیری با تشریح اتفاقی که بین او و مقتول افتاده است به قتل دامادشان اعتراف کرد. به دنبال این اعتراف، متهم صبح دیروز به خانه مقتول منتقل شد تا جزئیات این پرونده را در برابر بازپرس جنایی بازسازی کند. خانه ای در حوالی پایانه مسافربری که متهم در بدو ورود به آن، از یک نردبان بالا رفت و با اشاره به وسایل داخل آلونک، چگونگی ارتکاب این جنایت را این‌گونه بازگو کرد: زندگی خواهرم تا دو سال قبل خیلی خوب بود، دامادمان رفتار خوبی با خانواده اش داشت اما به یک باره همه چیز تغییر کرد. او روی پشت بام همین آلونک را ساخت و بیشتر وقتش را اینجا می‌گذراند و اگر پایین می آمد با دو فرزند دیگر خواهر من بدرفتاری می‌کرد.

متهم درباره چگونگی ارتکاب جنایتش در اظهاراتی عجیب مدعی شد: آن روز برای اینکه مرحوم را نصیحت کنم که سر زندگی خودش برگردد، از نردبان بالا رفتم. به هیچ وجه قصد دعوا نداشتم و چیزی هم اصلا برای نزاع نبرده بودم. به پشت بام که رسیدم، متوجه بازی و رفتار عجیب دامادمان با سگش شدم که خیلی ناراحتم کرد. به مرحوم گفتم چرا این کارها را می کنی، تو زن و بچه داری، پیش آن ها برگرد. همین را که گفتم او شروع به فحاشی کرد. آن روز شیشه و قرص مصرف کرده بودم و نمی دانم چه شد که با او درگیر شدم. یک پتک همین جا بود که آن را برداشتم، سه ضربه به سرش زدم و بعد دست و پایش را با یک شال سیاه بستم و بعد طناب آبی و سبز نخی و کابل دریل و بند کفش دورش پیچیدم. می خواستم جسد مرحوم را به محل دیگری منتقل کنم تا کشف نشود، اما خیابان شلوغ بود و نتوانستم.

متهم در ادامه با اشاره به برخی سؤالات فنی پلیس از جمله چرا به جای جنایت، از خواهرت نخواستی طلاق بگیرد؟ مدعی شد: فکر می کردم ممکن است با نصیحت زندگی آن ها مثل قبل بشود. پس از اینکه قتل را انجام دادم بدون اینکه دلیلی داشته باشد، برخی کارها را الکی انجام دادم. مثل گذاشتن میله آهنی در دهان مقتول که واقعا نمی دانم چرا این کار را انجام دادم. در هر صورت پس از این جنایت، بلافاصله بدون اینکه حرفی با خواهرم بزنم، خودرو مرحوم را برداشتم و از آنجا فرار کردم.

چرا برادرمان را کشتی؟

پس از بازسازی صحنه قتل، در حالی که متهم از نردبان پایین می آمد با برادران مقتول روبه رو شد. برادرانی که از قاتل پرسیدند: «چرا برادر ما را کشتی؟ چطور دلت آمد برادر ما را بکشی؟ چرا این کار را کردی؟ مگر به تو کم خوبی کردیم؟ مگر به تو زندگی و شغل ندادیم؟ مگر تو را از مرگ نجات ندادیم؟» متهم در واکنش به این سؤالات می گفت که از این کار پشیمان است.

عکس: محسن بخشنده/ شهرآرا

۲ قتل در مهرماه

در حاشیه بازسازی صحنه قتل، متهم در گفت وگو با خبرنگار ما درباره اولین قتلی که در شمال کشور مرتکب شده بود گفت: اوایل مهر سال ۹۱ در حالی که هفده سالم بود، فرد معلوم الحالی به من قرص خوراند و پس از بیهوش شدنم به من تعرض کرد، چند روز بعد متوجه شدم او این داستان را برای افراد دیگری بازگو کرده است. اواسط مهر همان سال، من به کلبه چوبی یکی از دوستانم رفته بودم که این فرد را دیدم. ابتدا با هم به طور لفظی دعوا کردیم، اما بعد درگیر شدیم و او بیهوش شد. او را داخل یک دره بردم و در همین هنگام یک بطری چهار لیتری اسید از داخل کلبه پیدا کردم و روی بدن او ریختم. در خصوص دومین پرونده، من فقط به دلیل اختلافاتی که با همسر سابقم داشتم، او را برخلاف میلش نگه داشتم. به همین دلیل هم دستگیر شدم و به زندان رفتم. سومین اتهام من، قتل یک نفر دیگر در شمال بود که فقط به عنوان مظنون دستگیر شدم، اما پس از نتایج پزشکی قانونی مشخص شد که مرحوم به دلیل ایست قلبی فوت شده است. من جانی نیستم.

حادثه داغ

قاچاق گوشی‌های سرقتی، سارقان را لو داد

سهل دیبا| به طور متوسط در بررسی پرونده های موبایل قاپی، هر گروه سارق روزی بین سه تا پنج فقره سرقت انجام می دهند. البته فاکتورهای زیادی در این میان وجود دارد که حرفه ای بودن مجرمان، مهم ترین آن است. این ها را نوشتیم تا بگوییم پلیس مشهد با انهدام یک باند سرقت تلفن همراه، موفق به کشف راز سیصد فقره سرقت در مشهد شده است که در خوش بینانه ترین حالت اگر این مجرمان سرقت های بیشتری انجام نداده باشند، حداقل بین یک تا دو ماه گذشته این افراد در خیابان ها دوردور می زده و سراغ شهروندان می رفته اند. در پیگیری این پرونده، پلیس مشهد به خبری مبنی بر قاچاق تلفن های همراه مسروقه از مشهد به مرزهای شرقی کشور توسط یک تبعه خارجی باکامیون های ترانزیتی دست یافت. بلافاصله پیگیری موضوع در دستورکار مأموران انتظامی قرار گرفت. مأموران اداره مبارزه با جرائم خشن پلیس آگاهی با شناسایی متهم، به محض خروج این فرد از مشهد، در اقدامی غافل گیرانه او را دستگیر کردند و در بازرسی از کامیون تریلی، ۷۶ دستگاه تلفن هوشمند مسروقه که به طرز ماهرانه ای در قسمت های مختلف خودرو جاسازی شده بود، کشف کردند. متهم در بازجویی های فنی کارآگاهان پلیس آگاهی به خرید گوشی های سرقتی به مبالغی بین یک ونیم میلیون تا سه میلیون تومان از دو تبعه خارجی در شهر مشهد اعتراف کرد. در ادامه این عملیات با اطلاعات به دست آمده طی دو اقدام مجزا، دو متهم به موبایل قاپی نیز دستگیر و در بازرسی از آن ها هشت دستگاه تلفن همراه مسروقه کشف شد. متهمان در بازجویی های فنی کارآگاهان اداره مبارزه با جرائم خشن پلیس آگاهی و رویارویی با ادله و مستندات کشف شده به سیصد فقره موبایل قاپی در شهر مشهد اعتراف کردند. در ادامه، این افراد به همراه پرونده تشکیل شده به دادسرا معرفی شدند.

عکس: ترنمی/ اصت
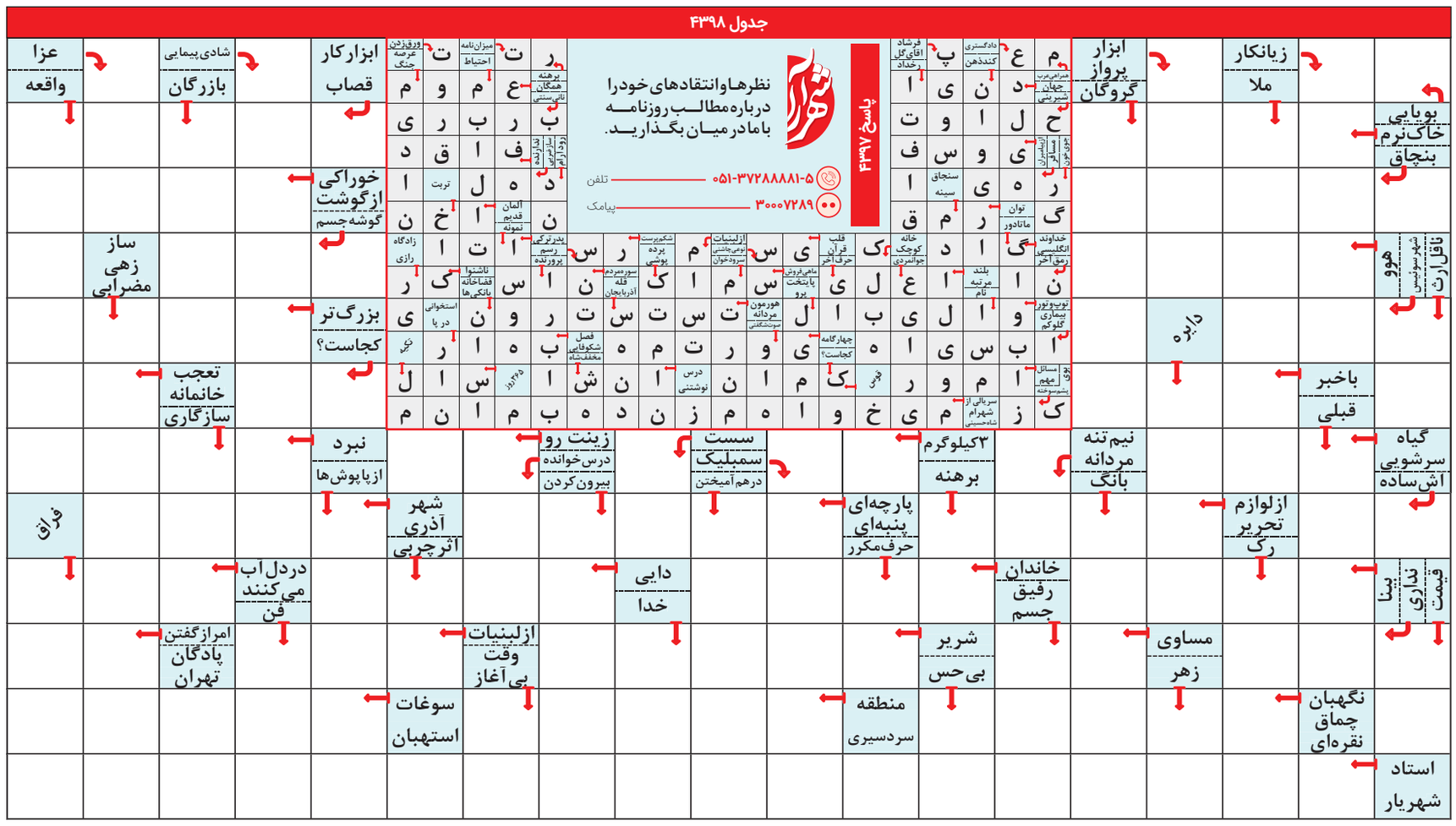
جدول ۴۳۹۸